گردهمایی بازسازی آمریکا (قراردادن شعائر الهی در صدر امور)

شنبه شب برابر با 30 ژانویه 1999، امام سراج وهاج و مسجد التقوی در بروکلین نیویورک اقدام به برگزاری یک گردهمایی تحت عنوان بازسازی امریکا، قراردادن شعائر الهی در صدر امور "در نیویورک " و در محل مدیسن اسکورگاردن، (MADISON SQUARE GARDEN) که یکی از تالارهای بزرگ هنری و ورزشی صاحب نام در آمریکا می باشد، نمود. از اهداف این سمینار که حدود هشت الی نه هزار نفر از اقصی نقاط آمریکا اعم از مسلمانان بومی آمریکایی و مسلمانان مهاجر سایر کشورها از جمله کشورهای عربی، پاکستان، مالزی و .... در آن شرکت داشتند، در وهله اول، ایجاد وحدت و آگاه نمودن توده مسلمانان مقیم آمریکا در رابطه با سرنوشت خود بطور جزء و سرنوشت جامعه آمریکا بطور کل و دوم جمع آوری کمک مالی جهت بنای مسجدی چهار طبقه که ظرفیت و گنجایش 7 الی 8 هزار نفر را داشته باشد، بود. مسجد مذکور قرار است در محل فعلی مسجد التقوی در بروکلین که در حال حاضر بنای کوچک و محقری است، ساخته شود. سمینار مذکور با تلاوتی چند از کلام ا... مجید از سوره مبارکه ابراهیم آغاز گردید و پس از آن، آیات قرائت شده توسط یکی از ائمه مساجد حومه نیویورک ترجمه گردید. سپس مسئول جلسه، امام خالد عبدالفتاح کریگس، امام مسجد کارولینای شمالی که ویراستار روزنامه "پیام"، (MESSAGE) ،روزنامه وابسته به سازمان معروف حلقه اسلامی شمال آمریکا، (ICNA) و از اعضای قدیم" ملت اسلام " در سالهای 1970 می باشد، ضمن خوشامدگویی از امام سراج وهاج که مهماندار این گردهمایی بود، دعوت بعمل آورد تا در رابطه با فراخوانی عمویش جهت شرکت در این گردهمایی سخنانی ارائه نماید.

امام سراج وهاج مهماندار گردهمایی مذکور از اعضای سازمان ملت اسلام، (NATION OF ISLAM) به رهبری الیجا محمد دراوایل سالهای 1960 می باشد. وی پس از مرگ الیجا محمد و روی کارآمدن فرزند وی امام وارث الدین محمد که در حال حاضر رهبر "میسیونرهای مسلمان آمریکا"، (AMERICAN MUSLIM MISSIONERS) می باشد، به دلایل عدیده و از جمله اختلاف نظر در رابطه با نوع جهت و حرکت سیاسی وارث الدین محمد که معتقد بود قانون اساسی آمریکا کاملا" اسلامی می باشد و باید بدان احترام گذارد و در چهارچوب آن فعالیت نمود، از وی جدا گردید. امام سراج وهاج در اواخر سال 1970، ضمن گسترش فعالیتهایش به فراگیری هر چه بیشتر مسائل اسلامی پرداخت و پس از آشنایی بیشتر با اسلام، قرآن و فراگیری زبان عربی، باهمکاری تعدادی از مسلمانان سیاهپوست مقیم نیویورک که با وی همفکر و همعقیده بودند و کمکهای غیرمستقیم عربستان سعودی، اقدام به تاسیس مسجد التقوی در بروکلین نیویورک که از مناطق بسیار خطرناک و ناامن می باشد، نمود. نامبرده پس از تاسیس مسجد مذکور، ضمن انجام فرایض مذهبی و تعالیم دینی، اولویت کاری خود و مرکز فوق را بر پاک سازی منطقه بروکلین از وجود فحشا، مواد مخدر و جنایات ناشی از آن قراردارد و دراین امر نیز به موفقیتهایی نایل آمد که آوازه آن نیز از طریق مطبوعات و رسانه های داخلی نیویورک به اطلاع عموم رسید و باعث محبوبیت و معروفیت هرچه بیشتر وی نزد مسلمانان و غیرمسلمانان گردید. وی در حال حاضر، در ردیف لوئیس فراخان، امام وارث الدین محمد و جمیل الامین، یکی از چهره های سرشناس و رهبران مذهبی با نفوذ مسلمان آمریکایی می باشد. نامبرده در رابطه با برگزاری و فراخوان این سمینار و اهداف آن، اظهار داشت: امروز بیش از هر روز دیگر، نیاز به همبستگی بین مسلمانان ملموس گشته است و وقت آن رسیده است که این نیروی عظیم مردمی و مسلمان، نه تنها در رابطه با سرنوشت خود، بلکه در رابطه با مسئوولیتی که در قبال میلیونها انسان بیگناهی که در آمریکا هر روز در دامن فحشا و موادمخدر و تبلیغات عوام فریبانه صاحبان و مراکز فحشا به تباهی کشیده می شوند برخوردی جدیتر و مسؤولانه تر نماید. وی اظهار داشت: یکی از اهداف وی و مسجد التقوی در وهله اول، آگاه نمودن، بیداری و ایجاد حس مسئولیت بین توده مسلمان آمریکا می باشد. نامبرده همچنین اظهارداشت: از اهداف دیگر این فراخوانی جمع آوری کمکهای مالی جهت تاسیس مسجدی است که بتواند گنجایش و ظرفیت بیش از 7 هزار نفر را در خود داشته باشد. وی اضافه نمود، مایل است که از این مسجد به عنوان مرکزی جهت آموزش و آگاهی به توده آمریکا و فراخوانی آنان به دین مبین اسلام استفاده نماید. بعد از سخنرانی کوتاه امام سراج وهاج، اولین سخنران ایراد سخن نمود.

اولین سخنران، امام امین عبدالطیف به نیابت از سوی مسجد الشوری در نیویورک، ضمن تایید اهداف امام سراج وهاج در رابطه با موضوع گردهمایی، اظهار داشت لازم به تذکر است بازسازی آمریکا در وهله اول و قبل از هر چیز، منوط به بازسازی درونی خود ماست. لازم است توده مسلمانان و رهبران اسلامی بدانند که ما به عنوان مسلمان، نباید از خود غافل شویم. وی اظهار داشت: من شکی ندارم که این نیروی عظیم مسلمان آمریکایی، اگر به بازسازی، تربیت درون و تزکیه نفس خود معرفت یابد، قادر است شعار این گردهمایی را که بازسازی امریکا و قراردادن شعائر الهی در مصدر امور است، محقق سازد.

دومین سخنران، امام دکتر زید شاکر بود، وی آمریکایی الاصل و دارای دکترا در رشته علوم سیاسی است. نامبرده به اتفاق همسرش در اوایل سال 1980، زمانی که بخشی از نیروی نظامی آمریکا در ترکیه مستقر بود، به واسطه نزدیکی جغرافیایی دو کشور ایران و ترکیه و نزدیکی وی به مرکز خبر و کسب اطلاع مستقیم از اخبار و وقایع درونی ایران تحت تاثیر انقلاب اسلامی و رهبری حضرت امام خمینی (ره) اسلام آوردند. وی در ابتدا از حامیان سرسخت انقلاب اسلامی بود و در سخنرانیهایش، همیشه از ایران، انقلاب و رهبری امام (ره) دفاع می نمود. ولی بعدها پس از بازگشت و شروع به تدریس در دانشگاه کارولینای شمالی، تحت نفوذ دلالهای سعودی و وهابی که به پتانسیل وی پی برده بودند، تا اندازه ای نسبت به انقلاب بدبین و در بعضی جلسات نیز به صورت غیرمستقیم انتقاد می کرد. در اوایل سال 1990، جهت تکمیل مطالعات اسلامی و علوم دینی و همچنین فراگیری زبان عربی، به سوریه عزیمت نمود. این هجرت مطالعاتی و آشنایی هرچه بیشتر وی با اسلام و همچنین وقایع خلیج فارس و جهان اسلام، با توجه به شعور و بیداری سیاسی که در وجود وی نهفته بود، منجر به زدودن زهرهای فکری دلالهای وهابی در وی گردید و از نامبرده به لحاظ مذهبی- سیاسی، فردی پخته و وزین ساخت. در سالهای اخیر، هر از گاهی که نامبرده جهت سخنرانی و شرکت در کنفرانسهای متفاوت به آمریکا دعوت می شود، نه تنها در سخنانش بوی ابراز مخالفت و یا انتقاد در رابطه با انقلاب اسلامی نیست، بلکه در بعضی از موارد نیز برحسب لزوم دفاع می نماید. از تحصیلات دینی و فراگیری زبان عربی وی، هنوز دو سال دیگر باقی مانده است. وی در حال حاضر به صورت داوطلبانه، در رابطه با فراهم آوردن تسهیلات آموزشی، مکانی و زندگی روزمره دانشجویان مسلمان آمریکایی که جهت فراگیری علوم مذهبی به سوریه عزیمت می نمایند، کمک می نماید.

وی در ابتدای سخنرانیش، ضمن تقدیر از اساتید و افرادی که در آمریکا و سوریه به نحوی از انحاء در وی تاثیر مثبت داشته اند، در رابطه با موضوع گردهمایی "بازسازی آمریکا" اظهار داشت: در رابطه با تغییر و بازسازی آمریکا و قرار دادن شعایر الهی و حضرت حق در مصدر امور دو طرز تفکر وجود دارد، یکی طرز تفکر سودجویانه و دیگری قربانیان تفکر اول. طرز تفکر اول مربوط به سرمایه داران، صاحبان کارخانجات، صنایع نظامی و مراکز اقتصادی است که با بهره وری و سوءاستفاده از نیروی انسانی انسانهای مستضعف (اعم از فکری، مادی و ...) فقط و فقط به مطامع مادی و غیرانسانی خود فکر کرده، در آن جهت حرکت می کنند. این طرز تفکر هیچ دلیل و نیازی به تغییر و بازسازی و قرار دادن شعایر الهی در راس امور نمی بیند و ادامه راه و مسیر موجود را نه تنها ایده آل، بلکه متعالی نیز می داند.

طرز تفکر دوم، یعنی قربانیان تفکر سودجویانه، شامل مستضعفان و طبقه کارگر و کشاورز است که با کمترین دستمزد و حداقل مزایای انسانی و بدون بهره وری از یک زندگی عادلانه و درخور، ناچار است برای ادامه حیات، عامل محرک و راه اندازی چرخهای اقتصادی مراکز سودجو گردد. وی همچنین افزود: گروه اول مشوقان سیاستهای متحده آمریکا در قبال مسائل داخلی و بانیان ویرانی و کشتار مردم بیگناه در اقصی نقاط جهان از جمله کشورهای مستضعف عراق، فلسطین، بوسنی، چچن، کشمیر و ... می باشند. وی در ادامه اظهار داشت: امروز جنگ، جنگ فرهنگ، تفکر و عقیده است و دشمن پی برده است که از این بابت ورشکسته می باشد و به همین منظور، تمام نیروی خود را صرف تغییر جهت مبارزه از مواضع جنگ نظامی و تسلیحاتی معطوف نموده است و ما را به مبارزه کودکانه می طلبد. امروز وظیفه ما از هر وقت دیگر حساستر و حائز اهمیت است. این همه تبلیغ در مورد صدام و بزرگ کردن ارتش او به عنوان پنجمین ارتش مقتدر و بزرگ جهان، "ارتشی که قادر نبود علی رغم همه کمکهایی که به ماشین نظامی وی شد، در مقابل نوجوانان پابرهنه و بدون اسلحه ایران اسلامی دوام بیاورد و مقاومت کند"، چگونه قادر است تهدیدی برای همسایگانش باشد، بویژه بعد از این همه ویرانی که متحمل شده است. این ارتش در برابر حملات نظامی آمریکا و همپیمانانش قادر به کوچکترین عکس العملی نبود. هیچ فکر کرده اید قربانیان این حملات چه کسانی می باشند. متاسفانه قربانیان این آتش افروزی فقط و فقط مادران محروم و درمانده عراقی، کودکانی بودند که در عین درماندگی، بر سینه های بدون تغذیه مادر آویزان گردیده، جان سپردند، بدون اینکه هیچ گونه تغییری و یا گزندی به خود صدام رسیده باشد. وی در ادامه، با عرض حدیثی از حضرت علی (ع)، اظهار داشت: آن حضرت همیشه و در همه حال، خداوند سبحان را به خاطر علم، معرفت و دانش که در مقابل ثروت، ثروتمندان و دشمنان اسلامی به آن حضرت اعطاء شده بود، سپاس می نهاد. آن حضرت معتقد بود که علم و دانش ماندنی است و در عین حال، مسئولیت برانگیز و لذا اگر امت اسلام نتواند از این سرمایه ای که در دست دارد، در جهت بهبود وضعیت خود و جامعه اش استفاده بهینه نماید، خداوند بار این مسئولیت را برعهده امت دیگری قرار خواهد داد. وی در ادامه، ضمن تعریف تحت اللفظی جهاد، اظهار داشت: جهاد بر سه قسم است: اول جهاد اکبر یعنی جهاد با نفس و جهاد درونی، دوم جهاد بین روابط انسانها یعنی که از خودگذشتگی در مقابل زن، فرزند، دوست و همچنین از خودگذشتگی در مقابل مسلمان و غیرمسلمان و سوم جهاد علیه دشمن و دشمنان خداست و اگر انسان نتواند نسبت به جهاد نوع اول و دوم معرفت یابد، معلوم نیست که قادر باشد در شناخت جهاد نوع سوم موفق گردد. و دشمن را خوب شناسائی نماید. وی در انتها، اظهار داشت: دشمن سعی دارد که در عقیده و افکار ما خلل ایجاد نماید و به هر طریقی، در طرز لباس پوشیدن، حرف زدن، خوراک خوردن، حرکات و اعمال ما اثر گذاشته، ما را نسبت به فرهنگ خود بیگانه نماید. این روش، کمترین بار اقتصادی را در مقابله با ما خواهد داشت. اینها بدشان نمی آید که در اینجا و آنجا صدها مسجد از نوع مساجد وابسته بنا نمایند. برای مثال، کارخانه کوکاکولا مسجدهای کوکاکولایی و مک دونالد مسجدهای مک دونالدی بنا نمایند و عده ای هم در آنجا جمع شده، دعا و ذکرهای کوکاکولایی و مک دونالدی بخوانند و از این طریق، ما را نسبت به فرهنگ، سرنوشت و آینده نه تنها خود، بلکه سایرین بی تفاوت نمایند.

سومین سخنران این گردهمایی، دکتر بلال فیلیپس بود. بلال فیلیپس آمریکایی آفریقایی تباری است که مدرک دکترای خود را در علوم مذهبی از دانشگاه مدینه اخذ نموده است. نامبرده از طرفداران سرسخت وهابیت و حکومت آل سعود می باشد. وی اخیرا با عربستان مشکلاتی پیدا کرده و گویا توسط مقامات مسؤول آل سعود از کشور سعودی اخراج گردیده، در قطر بسر می برد، ولی کماکان از دنباله روها و مبلغان وهابیت می باشد. وی بنا به اظهار دست اندرکاران گردهمایی، به دلایل امنیتی، قادر به شرکت در گردهمایی نبود. بنابراین از طریق تماس تلفنی از انگلیس، صحبت خود را ارائه نمود.

نامبرده ضمن پوزش از عدم حضورش به دلایل امنیتی، اظهار داشت: سؤال در رابطه با بازسازی آمریکا از زمانی که حاج ملک شهباز (ملکم X )از مکه بازگشت، مطرح بوده و هست و جوابی که وی در آن مقطع زمانی به این سؤال داد، "تنها راه حل آمریکا، اسلامی است"، تا به امروز معتبر و قابل درک می باشد. وی همچنین به نقل از هانتینگتون، اظهار داشت: "تندروهای اسلامی دشمن آمریکا نیستند، بلکه این اصل وجودی اسلام است که در مقابله و روبروی آمریکا و غرب ایستاده است" و در همین رابطه، " دشمن اسلام نیز سازمان سیا نیست، بلکه این وزارت دفاع و جنگ آمریکاست که در مقابل اسلام صف آرایی کرده است". نامبرده در ادامه افزود: این همه سروصدا، هیاهو و حرکتهای خصمانه علیه مسلمانان و کشورهای اسلامی نیز نتیجه حرکت فعال، زنده و پویای اصول و مبانی اسلام است که آمریکا و غرب را وادار به مقابله با خود نموده است. وی در ادامه سخنانش، متاسفانه از موضوع گردهمایی خارج شده و در رابطه با مذاهب مختلف اسلامی مسائلی را مطرح نمود که نه در شان وحدت اسلامی بود و نه در شان این گردهمایی و فقط و فقط می توانست تراوشات فکری وابسته به وهابیت باشد. نامبرده ضمن انتقاد از تصوف در رابطه با کتاب " نوشته شیخ نوح حمیم کلر "SHIKH HAMIM KELLER" ،وی را متهم به پرستش حضرت رسول (ص) و غیر خدا نمود.

چهارمین سخنران این گردهمایی، دکتر عبداله ادریس اعلا، سودانی الاصل و تابعه کانادا بود. نامبرده دبیر کل سابق جامعه اسلامی آمریکای شمالی، (ISNA) و یکی از افراد خبره و نادر در رابطه با جلسات و سخنرانیهای جمع آوری کمک های مالی می باشد. نامبرده در ابتدای سخنانش، در مقابل انتقاد دکتر بلال فیلیپس از شیخ نوح حمیم در یک سخنرانی بسیار عرفانی و اخلاقی و با استفاده از آیات قرآن کریم و احادیث معتبر اظهار داشت: هر کس که اظهار به گفتن لا اله الا الله محمد رسول الله نماید، مسلمان است و باید مورد عشق، علاقه و احترام سایر مسلمانان واقع گردد. وی اظهار داشت: چگونه کسی می تواند به خود اجازه دهد مسلمان دیگری را بویژه با ذکر نام، متهم و محکوم به شرک نماید.

وی ضمن اعتراض و انتقاد به نحوه عملکرد بلال فیلیپس اظهار داشت: این گونه برخوردها، نامناسب و خطا است. شایان ذکر است، نامبرده در این گردهمایی در کمتر از 30 دقیقه، بیش از یک میلیون دلار جمع آوری نمود.

پنجمین و آخرین سخنران این گردهمایی، شیخ حمزه یوسف، اهل کالیفرنیا و آمریکایی سفید پوستی است که در عین جوانی، سخنران موفق و خوش فکری است. نامبرده مدتهای مدید در ماراتانی خلوت گزیده و به مطالعات اسلامی پرداخته است. وی کاملا به زبان عربی مسلط و خود را اهل تصوف می پندارد.

وی نیز در یک سخنرانی بسیار احساسی اظهار داشت: متاسفانه بزرگترین بحران و مشکل آمریکا، عدم اعتقاد به آخرت است و به همین خاطر، رحمت از میان این مردم رخت بربسته است، چرا که پایه و اساس رحمت، رحمانیت یعنی الله سبحان و تعالی می باشد و این مردم را با خدا آشنایی نیست. وی در ادامه اظهار داشت: این سرزمین به علت عدم داشتن تقوی، رو به فناست و جالب اینکه متاسفانه مسلمانان بومی و مهاجر این سرزمین نیز با اراده و بدون هرگونه اعمال فشار، دوان دوان به دنبال آن می روند; درست مثل کشتی که در حال غرق شدن باشد و مسافران بی توجه به خطر غرق شدن و طوفان دریا، برای ورود به کشتی با یکدیگر مسابقه بگذارند. فیلمها و برنامه های سراپا شهوت و خشونت حاکم بر برنامه های مبتذل تلویزیون که حتی برنامه های کودکان را نیز به فساد آلوده کرده است، هر روز این جامعه را به خطر سقوط نزدیکتر می کند وی در ادامه، ضمن انتقاد از سیاستهای یکجانبه آمریکا در رابطه با کشور و مردم بی پناه عراق و ویران نمودن ذخایر مسلمانان اظهار داشت: در این میان فقط و فقط مردم عادی، پدران، مادران و فرزندان خردسال عراقی مورد تجاوز و ویرانی قرار گرفته اند. وی در پایان سخنانش اظهار داشت: جهان، جهان محدودیت است و بر همین مبنا، زندگی ما نیز محدود است. بهتر است چنان عمل کنیم که دچار پشیمانی و ندامت نگردیم.

در حاشیه:

حضور بیش از 8 هزار نفر مسلمانان در اطراف خیابان (پر رفت و آمد و شلوغ) شماره 7 نیویورک در مقابل تالار هنری ورزشیMADISON SQUARE GARDEN و برپایی نمازهای مغرب و عشاء در پیاده روهای مقابل این مجموعه، از جلوه خاصی برخوردار و حکایت از اخوت بین مسلمین و وحدانیت خداوند سبحان می کرد. هرکس در هر گوشه ای به نماز می ایستاد، بلافاصله در یک چشم به هم زدن، دهها نفر از شهرهای مختلف بدون هیچ گونه آشنایی قبلی از یکدیگر و به دور از هر گونه تبعیض در نژاد و رنگ و غیره، پشت سر او به نماز می ایستادند.

علی رغم جمعیت بسیار زیاد داخل سالن که عده کثیری مجبور بودند در اتاق های مجاور و از طریق تلویزیون مدار بسته به برنامه گوش فرا دهند، آرامش و ادب اسلامی کاملا حاکم بود.

از جمعیت حاضر حدود 50 درصد را خواهران تشکیل می دادند که ورودی و محل نشستن آنها از برادران کاملا جدا بود. حدود 80 درصد جمعیت به مسلمانان بومی و 20 درصد مابقی به مسلمانان غیربومی از کشورهای عرب زبان، پاکستانی، مالزیایی و غیره اختصاص داشت. از نکات بسیار جالب اینکه بیش از 75 درصد شرکت کنندگان را جوانان و نوجوانان زیر سنین 35 سال تشکیل می داد.

منبع:

نمایندگی ج .ا.ا. - واشنگتن